**انواع ادبی چیست؟  
  
انواع ادبی در ردیف سبک شناسی و نقد ادبی یکی از اقسام جدید علوم ادبی است.  
موضوع اصلی آن طبقه بندی کردن آثار ادبی از نظر ماده و صورت در گروه های محدود و مشخص است. در انواع ادبی هدف اصلی طبقه بندی کردن بر حسب ساختمان آثار ادبی و مختصات درونی و ساختاری آن هاست.**

**سابقه انواع ادبی:  
  
  
انواع ادبی ترجمه Literary  genres است، ژانر در فرانسه به معنی نوع است و در انگلیسی هم با همین تلفظ فرانسه به کار می رود.  
  
 اصل ان گویا لغت یونانی است که به عقیده برخی  با جنس عربی هم ریشه است.**

**سابقه انواع ادبی مثل غالب علوم ادبی به آثار ارسطو و هوراس رومی horace می رسد  
  
در نزد قدمای غرب انواع ادبی عبارتند از :  
  
              1- حماسی   epic   
             2- غنایی LYRIC  
            3- نمایشی dramatic :  
                                                   1- سوگنامه یا تراژدی  tragedy  
                                                  2- شادی نامه یا کمدی comedy**

**تا اواخر دوره رنسانس بلکه تا حدود قرن هجدهم میلادی مشخصات و حدود این انواع برای نویسندگان روشن بود و قوانین مربوط به هر نوع رعایت می شد. یعنی رعایت قراردادهای ادبی واجب بود.  
  
در دوران معاصر انواع جدیدی به انواع ادبی افزوده شد.  
 مثل داستان نویسی ،مقاله نویسی ...**

**نظرات مختلف در طبقه بندی آثار ادبی  
غیر عملی ترین طبقه بندی ، تقسیم آثار ادبی به نظم و نثر است.  
ارسطو به لحاظ ماده شعر که تقلید و محاکات است به انواع حماسه ، تراژدی و کومدی اشاره      می کند و تفاوت  آنها را بیان می نماید.**

**گوته در دیوان شرقی خود آثار ادبی را به سه نوع تقسیم می کند:  
                              حماسه و شعر غنایی و درام.  
جالب ترین و جدیدترین تئوری توسط «نورتروپ  فرای» ارائه شده است.  
 او به چهار نوع عمده ادبی معتقد است:  
                          
                         نمایشی ، پهلوانی، هجایی و غنایی**

**نقد بر مبنای انوع ادبی:  
نقد نوعی gener criticism بدین معنی است که در مطالعه اثری توجه داشته باشیم که نوع ادبی آن اثر چیست و در این نوع بر حسب سنت چه قرارداد هایی با ید محفوظ شود.  
 آیا شاعر یا نویسنده آن قرارداها را رعایت کرده است یا نه؟**

**سابقه نقد نوعی:  
سابقه نقد نوعی به فن شعر ارسطو می رسد. در عصر ما نورتروپ در کتاب «تشریح نقد ادبی» بحث نقد نوعی را دوباره زنده کرد.  
 هیرش درباب نقد نوعی نظریات کاملاً متفاوتی دارد. او طبقه بندی فرای ناروا می خواند و برای آثار ادبی قایل به فردیت و استقلال است.**

**انواع ادبی در ایران:  
تقسیم بندی غربیان جنبه معنایی دارد و از این رو جهانی است.   
اما تقسیم بندی ما در ایران صوری بوده است و شعر را با توجه به تعداد ابیات و وضع قافیه آن تقسیم کرده اند.  
 البته گاهی به ندرت در آثار قدما به انواع مختلف معنایی هم بر می خوریم.**

**مثلاً درباب پنجم بوستان.**

**خاقانی به ده شیوه شاعری اشاره می کند که مقصودش انواع ذیل است:  
1 - نسیب و تشبیب  
 2- مفاخره  
 3- حماسه  
 4- مدح   
5- رثا  
6- هجا  
 7- اعتذار  
 8- شکوی  
 9- وصف  
 10- حکمت و اخلاق**

**این انواع را می توان به شکل ذیل خلاصه کرد:  
1- غنایی: شامل نسیب و تشبیب (همان تغزل) ، رثا ، شکوی و اعتذار  
2- حماسی: شامل مفاخره و مدح  
3- هجایی: شامل  طنز  
4- روایی: شامل وصف  
5- تعلیمی : شامل حکمت و اخلاق**

**می توان گفت که قدما به نوع ادبی توجه داشته اند اما در کتب قدیم  
 هیچگاه مستقلاًبه بحث  انواع ادبی نپرداخته اند و این وضع تا دوران  
ما همچنان ادامه داشته است.**

**بخش اول  
در بخش اول کتاب ،  انواع ادبی اصلی قدیم را مورد مطالعه قرار می دهیم:  
1- حماسی  
 2- غنایی  
3- نمایشی ( تراژدی و کمدی)**

**تعریف حماسه  
حماسه: در لغت به معنی دلاوری و شجاعت است. حماسه شرح تاریخ قبل از دوران تاریخی است.  
 گزارشی است از اوضاع روزگاران نخست و تاریخ صدر جهان و روزگار مردمان نخستین را ترسیم می کند.   
 حماسه هر ملتی بیان کننده آرمانهای آن ملت است.  
 حماسه شعر ملل است به هنگام طفولیت ملل، آن گاه که تاریخ و اساطیر ، خیال و   
حقیقت به هم آمیخته و شاعر مورخ ملت است.**

**حماسه های قدیم بیشتر منظومند ، اشعار روائی بلندی که خاطره پهلوانانی را  
 گرامی  می دارند که در راه مجد و عظمت ملت خود کوشیده اند. از این رو اسم   
دیگر حماسه ، شعر پهلوانی  است.   
از آنجاکه حماسه خاطره هایی دور از دوره های نخستین است، به صورت شفاهی سینه به سینه نقل می شد تا وقتی به ضرورت مکتوب شده است .  
مثلاً تا عصر فردوسی داستان رستم و سهراب مکتوب نشده و فردوسی آن را به نظم کشیده است.**

**حماسه هر چه جدید تر مکتوب شده باشد بالایه هایی از منطق و آئین و رسوم عصر پوشانده می شود و به مقتضای دوره کتابت تغییراتی  
 می کند.  
منتقد ادبی باید مانند یک باستان شناس لایه های ظاهری را از هسته اصلی حماسه تشخیص دهد .**

**توسع معنای حماسه  
معمولاً معنای حماسه را توسع داده و آن را به آثاری که در یکی از ابعاد، دارای روح حماسی باشند نیز اطلاق می کنند مثل:  
  
                                کمدی الهی دانته ، جنگ و صلح تو لستوی**

**اهمیت حماسه   
البته تعداد حماسه های اصیل از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی کند.  
نویسندگان رنسانس آن را عالی ترین نوع ادبی می دانستند و این عقیده تا قرن نوزدهم هم شایع بود و کم کم رمان جایگزین آن شد.**

**انواع حماسه :   
الف- تقسیم بر حسب قد مت :  
 1- حماسه های سنتی یا شفاهی : شناهنامه فردوسی،  ایلیاد و اودسیه  
2-حماسه های تاریخی یا مکتوب که بر اساس حماسه های قدیمی ساخته شده اند.  
3- حماسه های متأخر که از روی حماسه های ثانوی ساخته شده اند.**

**ب- حماسه بر حسب موضوع :  
1- حماسه اساطیری: که قدیمی ترین و اصیل ترین نوع حماسه است. این نوع حماسه مربوط به دوران ما قبل تاریخ است و بر مبنای اساطیر ساخته شده است.  
 مثل : حماسه سومری گیلگمش و بخش اول شاهنامه فردوسی**

**2- حماسه پهلوانی :  
که در آن از زندگی پهلوانان سخن رفته است حماسه پهلوانی ممکن است جنبه اساطیری داشته باشد.  
 مثل :زندگی رستم در شاهنامه  
 و ممکن است جنبه تاریخی داشته باشد.  
 مثل: سفر نامه حمدالله مستوفی**

**3- حماسه های دینی یا مذهبی :  
 که قهرمان آن یکی از رجال مذهبی است و ساخت حماسه بر مبنای اصول یکی از مذاهب است.  
                                     مثل کمدی الهی دانته**

**4- حماسه های عرفانی که خاص ادبیات فارسی است در این گونه حماسه قهرمان بعد از شکست دادن دیو نفس به پیروزی که جاودانگی از طریق فنای فی الله است دست می یابد.  
 مثل حماسه حلاج در تذکره الاولیاء و منطق الطیر عطار**

**انواع فرعی حماسه :  
1- حماسه طنز:   
آن است که از زندگیامروزه ابعاد حماسی آن را استخراج کنیم و به شکل طنز به نمایش در می آوریم.  
2- حماسه مسخره : قهرمان آن به اصطلاح یک پهلوان پنبه است.**

**3- حماسه دورغ :  
 قهرمان آن یک پهلوان دروغین است مثل قصاید غرایی که درباره  
 رشادتها و جنگهای پادشاهان حقیر سروده شده است .**

**حماسه های معروف جهان:  
1- ادبیات سانسکریت :  
 الف- مهابهاراتا: سروده صدها شاعر در  ازمنه مختلف است. (200 سال قبل از میلاد تا 200سال بعد ازمیلاد ) که به وسیله ویاسا جمع آوری شده است.  
ب- رامایانا: سروده والمیکی در قرن سوم قبل از میلاد که سرگذشت راما (یکی از تجسدهای خدای هند ) رابیان می کند .**

**2-ادبیات یونانی : ایلیاد و ادویسه هر دو از همر.  
 ایلیاد در 24 فصل شرح هفته های آخر جنگهای ده ساله یونان و تروا است پاریس پسر شاه تروا ، هلن شاهزاده یونانی را از نزد شوهرش ربود و این کار یونانیان را به جنگ با مردم تروا می کشاند.**

**اودیسه 24 سروده  دارد.  
 اولیس  یکی از پهلوانان جنگ تروا در راه بازگشت دچار سرگشتگی ها و گرفتاریهایی می شود مردم می پندارند او مرده است و می خواهند با زن او ازدواج کنند اولیس ناشناس به زادگاه خود بر می گردد و خواستگاران را به عقوبت می رساند.**

**3- ادبیات رومی  
آنه ئید: سروده ویرژیل (70-19    قبل از میلاد) داستان آنه اس جد افسانه ئی رومی هاست جنگ بین روم و کارتاژ است.**

**4- ادبیات عرب:   
1- الحماسه اثر ابوتمام (231-88 هـ . ق ) کتابی در ده باب که فقط عنوان باب اول آن حماسه است .  
2- الحماسه ، اثر بحتری (284-206هـ - ق) هم دارای ابوابی است و در هر باب اشعاری انتخاب شده است.**

**5- ادبیات فارسی: شاهنامه  
فردوسی حدود سال 370 شروع به نظم شاهنامه کرد و حدود 60 هزار بیت سرود.  
 بخش اساطیر از زمان کیومرث تا فریدون است.**

**6- ادبیات اروپایی :   
1- حماسه معروف فرانسه سرود رولان است که در اواخر قرن 11میلادی مکتوب شد. مربوط به رولان قهرمان فرانسوی در قرن هشتم است.  
2 – قدیمی ترین حماسه انگلیسی بیوولف است که در قرن هشتم میلادی منظوم شد.**

**3- حماسه معروف دیگر انگلیسی بهشت گمشده اثر میلتون است قهرمان این حماسه حضرت آدم است.   
4- حماسه آلمانی ها سرود نیبلونگن اثرشاعری نامعلوم در قرن دوازدهم.   
5- ایتالیایی ها هم چند حماسه دارند : کمدی الهی اثر دانته**

**حماسه  های ایران   
1-حماسه های اساطیری الف- منظوم   
                                           ب- منثور**

**2- حماسه های پهلوانی منثور : سمک عیار – حسین کرد شبستری  
3- حماسه های تاریخی منظوم : ظفرنامه ، حمدالله مستوفی  
 شهنشاه نامه صبا**

**چند اصطلاح :   
1-اسطوره : مطالبی است که ژرف ساخت آن حقیقت و تاریخ ( در عصر مردمان کهن ) و  رو ساخت آن افسانه باشد.  
 اسطوره همان مذاهب منسوخ ملل قدیم است که امروزه کسی به صورت خود آگاه بدان ها اعتقاد ندارد اما به صورت ناخود آگاه در بسیاری از رفتار و پندار ما موثر است .**

**2- روئین تنی : روئین تن کسی است که هیچ حربه یی بر او اثر ندارد.  
 نیروهای ما فوق طبیعی او را شکست ناپذیر کرده اند و فقط یک جای بدن او روئینه نیست مانند اسفندیار که فقط چشمش روئین نیست .**

**3- صور اساطیری :  یا آرکی تایپ که به صورت مثالی و کهن الگو هم ترجمه شده است اصطلاح یونگی برای محتویات ناخودگاه جمعی است یعنی افکار غریزی و مادر زادی یا الگوهای از پیش تعیین شده فطری و ذاتی در انسان وجوددارد.**

**4- خونخواری : قهرمانان پس از کشتن دشمن خون  او را می نوشیدند تانیروی او را به خود منتقل کنند گویی خون را همان روح یا ناقل روح می دانستند.**

**5- نام پوشی یاکتمان نام: دیگر از اعتقادات جادوئی اقوام کهن این بود که اسم معرف کامل مسمی است و اگر کسی اسم کسی را بداند به معنی این است که او را به درستی می شناسد و بر او تسلط دارد.  
 به همین دلیل در جنگها پهلوانان نام خود را فاش نمی ساختند.**

**مختصات حماسه :   
در هر اثر حماسی برخی ازمختصات زیر دردیده می شود :  
 1- متضمن جنگاوری و بهادری است.  
2-در حماسه حیوانات نقش های بزرگی دارند و حیوانات معمولی نیستند.**

**3-قهرمان حماسه جانور مهیبی  را به قتل می رساند  
4- با گیاهان عجیبی که خواص جادویی دارند مواجهیم.  
5- قهرمان حماسه موجودی فوق طبیعی است.  
6- نیرو های متافیزیکی در حماسه نقش دارند .**

**7- گاهی گروهی از خدایان طرفدار یک قهرمان و گروهی طرفدار قهرمان دیگرند و درحقیقت نبرد و قهرمان نبرد خدایان با یکدیگر است .  
8- ایزد بانویی  ، عاشق قهرمان حماسه می شود اما قهرمان به عشق او وقعی نمی نهند.   
9- قهرمان حماسه ، قهرمان قومی ونژادی وملی است.   
10- قلمرو قهرمان حماسه همه آفاق است.  
11- اعمال قهرمان حماسه خارق العاده و غیر طبیعی است.  
12- قهرمان حماسه در هر بخش از زندگی خود با یک ضد قهرمان مواجه است.**

**13- قهرمان حماسه به سفرهای مخاطره آمیز می رود .  
14- قهرمان حماسه اعمال بزرگی انجام می دهد که اهمیت ملی یا حکمی دارد .  
15-یکی از صحنه های مهیج نبرد تن به تن است.**

**16- در این جنگ تن به تن انواع فنون و اقسام سلاح آزموده می شود.  
17-در حماسه معمولاٌ با صحنه هایی از پیشگویی مواجهیم.  
   
18- در حماسه سخن ازدیوان و غولان و جادوان می رود .**

**19-در برخی از حماسه ها ، شاعر با یکی از الهگان شعر تماس می یابد.  
20-در حماسه با عینیت و اقتدار و سادگی و عظمت مواجهیم.   
21-حماسه دارای معنایی جدی و الفاظ سنگین وفاخر است .**

**گیل گمش: قدیمی ترین حماسه که امروزه در دست است حماسه سومری گیل گمش است که در حدود سه هزار سال قبل از میلاد پدید آمد.**

**ایلیاد : دومین حماسه کهن جهان ایلیاد و اودیسه اثر همر  است که قدمت آنها به حدود هشتصد سال پیش ازمیلاد   
می رسد ایلیاد خاطره هفته های آخر جنگ دوم یونان با تروا است .**

**سبک حماسی : همه محققان براین نکته متفق القول اند سبک حماسی سبکی فاخر و جزیل است که باید درآن عظمت هم از نظر لفظ و هم ازنظر معنی چشمگیر باشد. علو معنی و صلابت لفظ.   
اغراق هم از ذاتیات حماسه است .**

**از مختصات دیگر سبک حماسی کاربرد فراوان اشیاء حماسی است   
بوق و کوس ، دشت ، کوه ، دریا ، تیرو گرز ، خون و نعره   
در سبک حماسی از انواع فنون جنگ آوری از قبیل دست به کمر بردن و بلند کردن استفاده می شود .**

**بدیع :   
در سبک حماسی آرایش بیش از حد کلام با استفاده از صنایع بدیعی جایز نیست. چون حماسه متضمن خبر بزرگی است و احتیاجی به شاخ وبرگ ندارد.  
 به عبارت دیگر خود موضوع و داستان در حماسه به نحوی است که جلب توجه می کند.**

**اغراق :   
اغراق در حماسه جزو ذات شعر است نه یک صفت بدیعی. زیرا حماسه یا جنبه اساطیری دارد و با اعمال محیرالعقول همراه است و یا  پهلوانی است جنگاور.  
 شرح چنین وقایعی به صورت طبیعی بااغراق همراه است.**

**قهرمان حماسه:   
قهرمان حماسه باید ملی باشد اسکندر نامه نظامی از نظر ادبی اثری بسیار والاست اما نظامی اسکندر غیرایرانی را قهرمان حماسه کرده است ازاین رو اثر او رواجی نیافته است .**

**ادب غنایی  
ادب غنایی دراصل اشعاری است که احساسات و عواطف شخصی را مطرح کند.  
در یونان باستان این گونه اشعار   با  سازی به نام  لیر  نواخته می شد از این رو در زبان های فرنگی لیریک  Lyric نامیده می شود .  
در اکثر نقاط جهان این اشعار با موسیقی همراه است .**

**در شعر فارسی ادب غنایی به صورت داستان ، مرثیه ، مناجات ،  
بث الشکوی و گلایه و تغزل در قوالب غزل ، مثنوی و رباعی مطرح   
می شود .  
 از همه مهمتر قالب غزل است.**

**منشأء ادب غنایی  
دوران اوج و رواج ادب غنایی مربوط به گسترش تمدن و ایام شهر نشینی است و از این رو غنا نسبت به حماسه متأخر است ادب غنایی مربوط به دوره هایی است که نظامهای اجتماعی شکل گرفته است و انسان در جامعه احساس تنهایی کرده است.**

**ادبیات غنایی در ایران  
از قرن ششم به بعد با پیدایش قالب  غزل و رواج عرفان است که ادبیات غنایی به معنی راستین خود رواج می یابد و ازآن تاریخ تا امروز مهم ترین نوع در ادب فارسی است.  
 در حماسه نگاه بیرونی است و در غنا نگاه درونی است.**

**ادبیات غنایی داستانی  
اروپائیان شعر غنایی را کوتاه و غیر روایی می دانند و اگر بلند باشد به آن شعر غنایی نمایشی dramatic گویند.  
 از آنجا که درایران هنر نمایش رواج نداشته است شعرهایی غنایی بلند ما جنبه داستانی دارد. مثل خسرو شیرین نظامی**

**سبک غنا   
ادب غنایی دو معنی دارد :  
1- اشعاری که بیان احساس و عواطف می کند در این صورت شاعر با نگاهی عاطفی به مسایل درونی خود رنگ فلسفی و جامع شناختی می دهد .  
و مسایل کلی حیات را به شکل موثر بیان می کند.**

**2- اشعار عاشقانه : که در ادبیات فارسی سه نوع معشوق داریم .  
1- معشوق زمینی در غزل سعدی .  
2- معشوق آسمانی در غزل مولوی.   
3- معشوقی که گاهی زمینی و گاهی آسمانی است در غزل حافظ.**

**زبان ادب غنایی   
ازآنجا که غزل فارسی در سبک عراقی است.  
 زبان ادب غنایی ما پر از صناعات بدیعی و تشبیه و استعاره ها و مجاز است لغات نسبت به سبک خراسانی نرم تر و تراش خورده تر است. درصد لغات عربی زیادتر است.  
 از نظر فکری مسایل درونی مطرح می شود شعر غمگرا و عشق گرا است.**

**ادب دراماتیک یا نمایشی  
ارسطو یکی از انواع مهم ادبی را ادب درامتیک دانسته است.  
 ادب دراماتیک یا نمایشی در یونان باستان و روم بسیاررواج داشت.  
 در ایران پیش از اسلام هم ظاهراً نمایشنامه وجودداشت.  
 اما در ایران پس از اسلام نمایشنامه نداشته ایم مگر این که تعزیه را نوعی نمایشنامه محسوب کنیم.**

**در ادب فرنگی به نمایشنامه یی که فقط برای خواندن است نه اجرا کردن نمایشنامه بسته closet drama گویند.  
ارسطو ادب درامتیک را به دونوع تراژدی و کمدی تقسیم می کند.**

**1-تراژدی یا غمنامه  
تراژدی نمایش اعمال مهم وجدی یی است که در مجموع به ضرر قهرمان اصلی تمام می شوند .  
یعنی هسته داستانی به یک فاجعه ختم می شود. این فاجعه معمولاً مرگ جانگداز قهرمان تراژدی است.**

**ارسطو در تعریف تراژدی می گوید :   
تراژدی تقلید و محاکاه است از کار و کردار شگرف و تمام، دارای درازی و اندازه ای معلوم و معین ، به وسیله کلامی به انواع زینت ها آراسته .**

**قهرمان تراژدی  
ارسطو می گوید: قهرمان تراژدی در ما هم  حس شفقت را بیدار  
 می کند و هم حس وحشت و هراس را .  
 او نه خوب است و نه بد ، مخلوطی از هر دو است.  
  
قهرمان در اثر نقطه ضعفی که دارد مرتکب اشتباه می شود.**

**نقطه ضعف قهرمان  
یکی از  رایج ترین انواع نقطه ضعف در تراژدی های یونانی غرور است. از خود راضی بودن و اعتماد به نفس پیش از حد که باعث  
 می شود قهرمان به نداهای آسمانی و درونی توجه نکند و یا از قوانین  اخلاقی منحرف شود.**

**عوامل تراژدی:  
ارسطو در تراژدی ، شش عامل تشخیص داده بود .  
1- هسته داستان یا افسانه مضمون که ترتیب منظم حوادث و اعمال است.  
2- قهرمانان و اشخاص که بازی کنان نمایشنامه هستند.  
3- اندیشه ها که حرفهای قهرمانان با نتایج اعمال آنان است.**

**4- بیان یا گفتار که کاربرد کلمات در تراژدی است. طرز بیان باید سنگین و موزون باشد.  
5- آواز کر، آوازی که دسته های همسرایان در تراژدی می خوانند.  
6- وضع صحنه یا منظر نمایش که مربوط به صحنه آرایی و صحنه سازی است.**

**شعر و نثر تراژدی  
در غرب تا پایان قرن هجدهم غالب تراژدی ها به شعر بودند ، قهرمانی که دچار بدبختی می شد متعلق به طبقات بالای اجتماع بود.  
امروزه تراژدی معمولاً به نثر است و قهرمانان از طبقه ی عادی اجتماع است.**

**تراژدی پهلوانی  
در اواخر قرن هفدهم بین حماسه و تراژدی تلفیقی حاصل شد و تراژدی پهلوانی  بوجود آمد.**

**ضد قهرمان  
ضد قهرمان فردی است که برخلاف قرمانان قدیم که در ها له ای   از عظمت و وقار و قدرت احاطه شده بودند، منفی و بی اثر است. این نوع قهرمان را در آثار بگت می تواند دید.**

**منشا تراژدی  
تراژدی در اصل جنبه مذهبی داشت و هدف آن جلب رضایت خدایان و برانگیختن رحمت آنان بود.  
  
 در یونان قدیم هر ساله مراسم مذهبی برای دیونوسوس خدای شراب و بار آوری وحیات اجرا می شد.**

**در این مراسم که بدان دیونوسیا می گفتند بزی را به عنوان سمبل دیونوسوس پاره پاره می کردند و ازاین رو معنی اصل تراژدی ترانه بز است.  
 در مراسم قربانی آوزاه هایی خوانده می شد که منشا آواز کر در تراژدی های بعدی است .**

**فلسفه آوازهای تراژدی:  
فلسفه این آوزاها این بود که خدای زندگی مرده بود و با این ترانه ها سوزناک برای او عزاداری می کردند بدین ترتیب می توان تراژدی را به تعزیه ترجمه کرد.  
 از این دیدگاه تراژدی تعزیه دیونوسوس است .**

**تفاوت تراژدی ها ی ما  و یونان   
برخلاف تراژدی های  یونانی در تراژدی ها ما از آوازهای سوزناک خبری نیست اما از مجالس بزم و آواز خنیاگران سخن رفته است .   
درداستان رستم و سهراب با آنکه رستم موظف است فوراً به پایتخت برود اما سه روز مجلس بزم بر پای می سازد.**

**قربانی کردن   
گاهی درمراسم قربانی کردن به جای بز انسانی را قربانی می کردند قربانی کردن دختران باکره در مراسم قدیم و فدیه کردن آن ها برای جلب رضایت خدایان نمونه های متعددی دارد.**

**ژرف ساخت تراژدی  
ژرف ساخت دیگر تراژدی عبارت است از : دردوران مادر سالاری در جوامع کشاورزی زن سالار ، شاه پیر که سمبل  سال کهن بوده است به دست شاه جوان به کمک مادرش به قتل می رسید.**

**پیشگویی   
یکی از مشخصات تراژدی (مانند حماسه )احتوای آن به پیشگویی و پیش بینی است.  
 درداستان رستم و اسفندیار عمل پیشگویی بر عهده جاماسب است .**

**تراژدی و حماسه   
تراژدی و حماسه شباهت ها واختلاف های زیادی دارد .**

**ارسطو می گوید :حماسه نیز مانند تراژدی یک نوع تقلید و محاکاه است به وسیله وزن از احوال و اطوار  مردمان بزرگ و جدی .**

**لیکن اختلاف حماسه با تراژدی از این بابت است که تراژدی همواره وزن واحدی دارد و شیوه بیان نیز نقل و روایت است. (نه فعل و عمل)  
 هم چنین از حیث طول مدت نیز تفاوت دارند تراژدی کوتاه است در صورتی که حماسه از حیث زمان محدود نیست.**

**در تراژدی و حماسه امور عجیب دیده می شود و اغراق فراوان وجوددارد امادر حماسه این مختصه نمایان تر است .  
هم در هر دو شاعر نباید خود را جلوه دهد ومنعکس کند.  
حماسه بلندتر از تراژدی است .**

**یک فرق مهم بین حماسه و تراژدی که در فن شعر به آن تصریح نکرده است وضع قهرمان است.  
 در تراژدی حتماَ فاجعه است که قهرمان را به تیره بختی می کشاند حال آنکه  در حماسه چنین نیست.**

**تراژدی و داستان   
چنان که گذشت بزرگترین فرق بین تراژدی به معنی سنتی آن با داستان این است که تراژدی جنبه نمایشی دارد.  
 از طرفی تراژدی امروزی می توانند نمایشی نباشند و از این رو بین داستان و تراژدی شباهت بسیاری است.**

**فرق تراژدی و داستان   
1-در تراژدی نویسنده از قبل موضوع را می داند حال آن که در داستان خود قهرمانان هستند که در خلال داستان وضعیت را اندک اندک روشن می کنند .  
2-در تراژدی جبر سرنوشت و ترس و ترحم است حال آنکه در داستان می تواند چنین نباشد .**

**3- در داستان اندیشه های فردی قهرمانان مطرح می شود حال آنکه تراژدی جنبه کلی دارد و تیپ رامطرح می کند.  
4- در تراژدی حتماٌ باید انسانی والا بر اثر اشتباهی تیره بخت شود حال آنکه چنین طرحی در داستان اجباری نیست.  
5- از همه مهمتر این که شخصیتها درداستان می توانند تغییر کنند حال آنکه در تراژدی قهرمان تغییر نمی کند .**

**اشتباه یا سرنوشت ؟  
چنان که دیدم ارسطو تغییر سرنوشت و وقوع فاجعه را بر اثر اشتباه قهرمان تراژدی می داند و این سخن در  مورد تراژدی های داستانی کاملا  صحیح است.  
 اما آنجا که پای وقایع تاریخی و قهرمانان واقعی در بین است سرنوشت را مقصر می دانیم.**

**2-کمدی یا شادی نامه  
کمدی اثری است که در آن مواد ومصالح به نحوی تنظیم شده باشند که توجه بیننده را جلب کنند و باعث سرگرمی شوند.  
 در کمدی شخصیت قهرمانان و شکست هایشان بیشتر جنبه شادی و سرگرمی دارد. ارسطو می گوید : کمدی تقلیدی و محاکاتی است از اطوار و اخلاق زشت.  
 فقط تقلید و توصیف اعمال و اطوار شرم آور است که موجب ریشخند و استهزاء می شود .**

**اقسام کمدی  
منتقدان فرنگی کمدی را به چند نوع تقسیم کرده اند:  
1- کمدی رمانتیک : اوج آن درآثار شکسپیر و نویسندگان دوره الیزابت دیده می شود و آن مشتمل بر حوادث عشق زنی است که قهرمان نمایش است.   
این عشق علیرغم همه مشکلات به شادکامی می انجامد .**

**2- کمدی طنز: دراین نوع کسانی که قوانین اخلاقی و اجتماعی را زیر پا می گذارند مورد تمسخر واقع می شوند  
 و نویسنده از بی نظمی های اجتماعی انتقاد می کند .**

**3- کمدی رفتار : دراین نوع ازاعمال زشت و توطئه های طبقه اشراف و بزرگ زادگان سخن می رود تاثیر شادی بخش آن در گرو مکالمات خنده آوری است که بین شخصیتهای احمق و گول رد و بدل می شود.**

**4-فارس  Farce: اثری است که خواننده وبیننده را از صمیم دل به خنده وا می دارد.  
 شخصیتهای بزرگ شده یا کوچک شده در موقعیتهای خنده آوری قرار می گیرند.  
 فارس گاهی به عنوان یک داستان فرعی دیده می شود.**

**اقسام کمدی:  
برخی از منتقدان به طور کلی کمدی را به دو نوع تقسیم کرده اند .  
1-کمدی عالی یا سطح بالا که باعث خنده رو شنفکران می شود و درآن طنزهای ظریف و سطح بالایی است.   
2-کمدی پست یا سطح پایین که درآن شوخی های مبتذل و جوک های زشت مطرح است .**

**تنوع و تسکین   
منظور از تنوع وتسکین طرح سخنها و صحنه های شوخی و شادی در یک اثر جدی تراژدیک است.  
 این عامل باعث تنوعی در نمایش می شود و اندکی از آلام بیننده را که براثر ترس و شفقت ایجاد شده است می کاهد .**

**کمدی در ایران  
نمایشنامه کمدی به این اشکال فرنگی در ایران وجودنداشته است .  
اما قطعات کوتاه منظوم و منثور در طنز و انتقاد از مفاسد اجتماعی و طبقاتی از مردم در ادبیات ما هست .  
 مثل آثار عبید و هجو و شهر آشوب**

**انواع جدید : داستان   
داستان یا نوول Novel اثری است روایی به نثر که مبتنی بر جعل (fiction) باشد.  
اگر دراز باشد به آن نوول و اگر کوتاه باشد به آن داستان کوتاه short story گویند.  
 معادل نوول انگلیسی در اکثر زبانهای اروپایی رمان roman  است .**

**منشا نوول   
novella که در قرن چهاردهم درایتالیا مرسوم بود نوعی قصه کوتاه منثور است.  
 از اجداد دیکر نوول امروزی روایات پیکارسک است که در قرن شانزدهم در اسپانیا مرسوم بود معروف ترین نمونه آن دن کیشوت اثر سروانتس است .**

**داستان به معنی امروزی  
داستان در معنی امروزیش دراروپا بعد از سروانتس و رابله پدید آمد.  
یعنی تقریبا از قرن هیجدهم به بعد ، بعد از شکست فئودالیسم و به روی   
کا رآمدن طبقه بورژوا**

**انواع رمان از نظر ساخت   
1- رمان حوادث : نوولی است که در آن تکیه اصلی بر حوادثی است که در طی رمان اتفاق می افتد مثل روبنسون کر وزئه که مجموعه ای از حوادث درمورد یک قهرمان است.**

**2 -رمان شخصیت : در رمان حوادث تکیه بر اعمالی است که قهرمان انجام می دهد. اما دررمان شخصیت تکیه بر انگیزه انجام عمل است.  
در رمان های حوادث باید پرسید ؟ بعد چه شد ؟  
دررمان شخصیت باید پرسید ؟ چرا این طورشد؟**

**3-رمان نامه ای که در آن روایت بر مبنای نامه هایی است که بین قهرمانان اثر رد و بدل می شود.  
 نامه نگاری بین عاشق و معشوق در رمانهای منظوم ادبیات فارسی هم دیده می شود.**

**4- رمان اندیشه : رمانی است که درآن ایده ها و مشرب های از پیش معلومو قالبی گزارش می شود.  
 مثل رمانهای نویسندگان حزب سوسیالیست شوروی.**

**انواع رمان بر حسب موضوع   
1-نوول شکل گیری یا تعلیم و تربیت : موضوع این گونه رمانها توسعه و تکامل ذهن و شخصیت   قهرمان است.  
  
 قهرمان تجربیات مختلفی را پشت سر میگذارد و معمولاٌ بعد از سپری کردن یک بحران روحی به ماهیت و نقش خود وجهان پی می برد.  
برخی از آثار توماس مان و سامرست موام**

**2- نوول اجتماعی : که درآن تکیه بر تاثیر اجتماع و مقتضیات اجتماعی بر شخصیت قهرمانان و حوادث داستان است و گاهی نیز در آن تزهایی برای اصلاحات اجتماعی عرضه می شود.  
 مثل خوشه های خشم جان اشتین بک  
3- نوول تاریخی : دراین نوع رمان زمینه های اثر وشخصیتهای و حوادث از تاریخ اخذ شده اند.  
 مثل رمان ایوانف اثراسکات**

**4-نوول محلی :که تکیه آن  برآیین و رسوم و لهجه شهرها و ایالات است نه به این قصد که صبغه محلی پیدا می کند بلکه از این جهت که تاثیر اوضاع و احوال و عوامل را بر کردار و رفتار شخصیتهای داستان نشان می دهد .  
5-نوول روانی :که درآن از وسایل ذهنی و روانی قهرمان یا قهرمانان داستان سخن میرود.  
 این نوع رمان امروزه رواج بسیار یافته است.**

**انواع رمان از نظر پلات(هسته داستانی )   
هسته داستانی plot داستانها هم انواع مختلفی دارد :  
                         تراژدی ، کمدی ، طنز، عاشقانه   
باید توجه داشت که دررمان محض شخصیتهای پیچیده ومشکلی از طبقات مختلف اجتماع با انگیزه های متفاوت مطرحند .**

**اما در داستانهای عاشقانه و پهلوانی شخصیت های ساده یی مطرحند که نویسنده درمورد آنان اغراق می کند و آنها را والاتر از آن چه هستند و بالاتر از واقعیت نشان می دهد .**

**عناصر داستان   
عناصری که مجموعاٌ داستانی را به وجود می آوردند عبارتنداز:  
1-تجربه : اعمالی که درداستان مطرح است حاصل تجربیات است.  
 تجربیات مختلف است که حادثه ها را به وجود می آورد وایجاد جدال می کند.**

**2-جدال : جدال مطرح درداستان یا جدال دو انسان با یکدیگر یا جدال انسان با طبیعت یا خدا یا سرنوشت یا مرگ و یا جدال انسان با خود .**

**3-حادثه : جدال منجر به حادثه می شود برای این که بتوان به چرایی و انگیزه حادثه ها جواب داد .  
  
4- داستان : روایت مرتب و منظم حوادث است.   
تسلسل و توالی حوادث.**

**5-راوی داستان یا زوایه دید :  
هرداستان به طریقی روایت می شود.  
 معمول ترین شیوه های روایت عبارتنداز:  
 الف- روایت اول شخص : خود نویسنده یکی از افراد داستان است او می تواند قهرمان اصلی باشد یا نباشد.**

**ب- روایت سوم شخص:  
نویسنده بیرون از داستان قرار دارد و اعمال قهرمانان را گزار ش می دهد. در این روش راوی ممکن است دانای کل باشد. یعنی از همه ماجرا  ها و حوادث اطلاع داشته باشد.**

**به راوی از دید گاههای دیگر هم می توان نگریست:  
الف- راوی خودآگاه: نویسنده ای است که از کیفیت خلق اثر هنری خود آگاه است و با اطمینان تمام خواننده را درمسایل مختلف رمان با خویش شریک می کند.**

**ب- راوی غیر قابل اعتماد یا جایز الخطا: کسی است که   
تفا سیر و قضاوتهای او از مطالب یا اعتقادات ، مرسوم و متعارف نیست.**

**6- هسته داستان (plot): و آن ترتیب حوادث بر حسب روابط علت و معلولی است.  
 منطق داستان مبتنی بر همین ترتیب منظم علت و معلولی است.  
 پلات ساختمان فکری و ذهنی داستان است.**

**7- شخصیت: قهرمانان داستان هستند که با اعمال یا گفتار خود داستان را به وجود  می آورند.  
به آن چه می کنند عمل (action)  
 و به آن چه می گویند دیالوگ یا گفتار گفته می شود.  
 به زمینه یی که باعث گفتار یا اعمال قهرمانان می شود انگیزه می گویند.**

**نویسنده در شخصیت سازی دو راه دارد:  
1- نمایش یا نشان دادن روایت که شخصیت صحبت نمی کند بلکه عمل می کند.  
2- بیان کردن: نویسنده خودش با اقتدار و آزادی دست به توصیف و ارزش گذاری می زند.  
  
 امروزه بیشتر روش نمایش را توصیه می کنند.**

**8- زمینه: زمینه اثر باعث آشنایی خواننده یا شخصیت ها است.  
 زمینه زمان تاریخی و مکان جغرافیایی است که حوادث در آن اتفاق می افتد.**

**9- فضا و جو: فضای ذهنی داستان است که نویسنده آن را به وجود می آورد.  
 در فضاوجو، بر خلاف زمینه،  توصیفات بیشتر جنبه درونی و ذهنی دارد. از این رو فضا از زمینه قوی تر و مؤثر تر است.**

**10- لحن: ایجاد فضا در کلام است و شخصیتها در زبان خود را بیان  می کنند و از این رو لحن مفهومی نزدیک به سبک دارد.**

**11- الگو: بافتی است که همه اجزاء قصه را مثلاً شخصیتها را در خود جای می دهد و به هم مربوط می کنند.  
 از این رو مفهومی شبیه به فرم در شعر است.**

**هسته داستان (plot)  
plot از عناصر اصلی و مهم داستان است و نویسندگان مختلف معادل های متفاوتی برای آن در نظر گرفته اند.ما آن را هسته داستان ترجمه کرده ایم.   
به توالی منظم اعمال یک اثر روایی که نظم و ترتیب آن ها با عث ایجاد اثر هنری شده است پلات می گویند.**

**در پلات باید وحدت اعمال رعایت شود یعنی داستان کلیت منسجمی داشته باشد و هیچ حادثه غیر ضروری در آن ذکر نشود.  
به عمل آغازین پلات، نقطه حمله می گویند.**

**در برخی از داستانها از فلاش بک استفاده می کنند.  
 یعنی حوادثی را که قبل از آغاز اثراتفاق افتاده است به وسایل مختلف مثلاً ذکر خاطره ای  یا اعتراف یکی از شخصیتهای اثر مختصراً مرور می کنند یا نشان می دهند.**

**نمودار داستان  
گوستا و فرای تاک نمودارداستان را به شرح ذیل ترسیم کرده است.**

**جریان سیال ذهن  
یکی از شیوه های داستان نویسی است. در این شیوه، همه طیفهای روحی و جریانات ذهنی قهرمان داستان مطرح می شود و تفکرات و دریافتها از جنبه های آگاهی و نیمه آگاهی ، سیلان خاطرات و احاسات وحتی تداعی معانی های بی پایان در داستان منعکس   
می شود.**

**برخی از منتقدان جریان سیال ذهنی را معادل با  گفتگوی درونی به کار می برند.  
 اما در جریان سیال ذهن علاوه بر گفتگوی درونی از شیوه های دیگر ی هم استفاده می شود و به دنیای ذهنی و درونی قهرمانان می پردازد.**

**داستان کوتاه  
داستان کوتاه که در انگلیسی short story و در فرانسه نوول nouvelle می گویند.  
 روایتی به نثر است که چندان بلند نباشد و مطالبی را که در مورد رمان گفته ایم کم و بیش در آن هم صادق است.**

**داستان کوتاه کوتاه  
داستان کوتاه ممکن است خیلی کوتاه باشد مثلاً حدود 500 کلمه بیشتر نداشته باشد. در این صورت به آن داستان کوتاه کوتاه می گویند.**

**رمان کوتاه  
نوع دیگری هم هست که بین داستان کوتاه و نوول (داستان بلند) است که به آن novelette رمان کوتاه یا داستان نیمه بلند می گویند.**

**داستان در ایران  
داستان و داستان کوتاه به سبک غربی در ایران سابقه چندانی ندارد و بعد از مشروطیت پا گرفته است.   
نخستین بار به طور جدی جمال زاده با نگارش یکی بود یکی نبود (1300 شمسی) و بعد از او صادق هدایت داستان کوتاه را به سبک فرنگی در ایران رواج دادند.**

**داستان های کهن سنتی ایرانی  
داستان نویسی در ایران زمینه ی گسترده و مهم داشته است و سابقه آن به ایران پیش از اسلام می رسد.  
داستان نویسی در ایران همان نقش ادب نمایشی را دراروپا داشته است.**

**چند نمونه کهن داستانی  
1- وامق و عذار: که از آن 380 بیت به جا مانده است.  
وامق از خانواده خود روی بر می گرداند و به یکی از جزایر یونان   
می رود و در آنجا با عذرا آشنامی شود و به  پرسش های پدر او جواب می دهد.**

**2- ورقه و گلشاه: ورقه و گلشاه از کودکی باهم بزرگ شده اند اما در بزرگی گلشاه به ازدواج امیرشام در می آید و ورقه از غصه خود را می کشد. گلشاه هم خودکشی می کند.**

**3- ویس و رامین: که نخستین داستان مهم منظوم ماست.  
 دراین داستان مسأله عشق و ازدواج بر مبنای ساخت های اجتماعی ایران پیش از اسلام موضوع اصلی است.**

**4- خسرو شیرین:  که از شاهکارهای ادبیات فارسی است.   
یکی از نکته های قابل توجه این داستان مقایسه عشق خسرو با عشق فرهاد است.  
 یکی عشق جنبه صادقانه دارد و یک عشق جنبه مصلحت اندیشانه.**

**5- منطق الطیر: نخستین داستان بزرگ منظوم عرفانی ماست.  
 در آن از شیوه تمثیل استفاده شده و با سمبولیسم همراه است.**

**ساخت حکایت  
هر چند انواع حکایات داریم اما قسمت اعظم حکایات ما چه منثور و چه منظوم جنبه ادب تعلیمی دارند.   
شاعر نخست داستانی را روایت می کند و بعد از آن نتیجه حکمی ، عرفانی، اخلاقی می گیرد.**

**انواع داستانهای ایرانی از نظر موضوع  
1- عاشقانه (غنایی) : لیلی و مجنون ، ویس و رامین ، یوسف و زلیخا ، خسرو  و شیرین .  
2- عرفانی:  پیرچنگی ، منطق الطیر .  
3- حماسه و پهلوانی : داستانهای از شاهنامه ، داراب نامه ، سمک عیار ، اسکندرنامه ، گرشاسب نامه.**

**4-دینی : سیره حمزه  ،  ابومسلم نامه  
5- تراژیک : رستم و سهراب  ،  رستم و اسفندریار  
6- طنز: حکایات عبیدزاکانی  
7-تعلیمی : حکایاتی از بوستان   
8- فلسفی : حی بن یقظان   
9- رمزی : گنبد سیاه در هفت پیکر**

**10-داستانهای وهمی و جادویی   
11-داستانهای سرگرم کننده : سندباد نامه  
12-داستانهای واقعی: داستانهای اسرار التوحید  
13-قرآنی: داستهانهایی قصص الانبیاء  
14-مقامه : مقامات حمیدی  
15-تمثیلی : داستانهای کلیه و دمنه**

**فصل هفتم : انواع فرعی یا ر و بنایی  
1-مرثیه : از نظر ماهیت جزو ادب غنایی است.  
 مرثیه در ادب فارسی سابقه کهن دارد و درنخستین دیوان شعر فارسی یعنی دیوان رودکی دیده می شود، هم امروزدر آثار شاعران معاصر.   
هر چند که بیشتر مراثی ما منظوم است اما قطعات رثایی در نثر نیز وجود دارد .**

**2-مفاخره: مفاخره از نوع حماسه است.  
 پهلوانان در حماسه رجز خوانی می کنند اما مفاخره به صورت مستقل هم وجوددارد وآن شعری است که شاعر به وصف کمالات و فضایل خود می پردازد .**

**3-مناظره :ژرف ساخت مناظره هم حماسه است. زیرا در آن بین دو چیز بر سه برتری و فضیلت خود بر دیگری نزاع و اختلاف لفظی در می گیرد و هریک با استدلالی خود را بر دیگری ترجیح می نهد.  
 ظاهراَ اسدی طوسی اولین شاعری است که به مناظره پرداخته است .**

**4-شهرآشوب : از فروع هجو است و آن شعری است که که در هجو یک شهر و نکوهش از مردم آنجا باشد وممکن است در ضمن آن از اصناف و صاحبان حرفه ها ی آن شهر سخن رود.**

**5-پارودی : که برخی آن را نقیضه و برخی نظیره طنز آمیز خوانده اند شعری است که به تقلید شعر دیگری گفته شده باشد اما مبتنی بر طنز و هزل باشد.  
 در ادب غربی parody وقتی است که فرم حفظ شود و معنی عوض شود اما اگر معنی حفظ شود و صورت عوض گردد بدان تراوستی travestie گویند .**

**6-حبسیه : از فروع ادب غنایی است  و در آن شاعر اندوه و رنج خود را از زندان توصیف می کند.  
 نخستین و بیشترین حبسیه ها در دیوان مسعود سعد سلمان دیده  
 می شود .**

**7-طنز و هزل و مطایبه : طنز از اقسام هجو است و فرق آن با هجو این است که تندی و تیزی وصراحت هجو در طنز نیست.  
 وانگهی در طنز معمولاَ مقاصد اصلاح طلبانه و اجتماعی مطرح است.**

**8-مناجات : ماهیت مناجات غنایی است و درآن معمولا با خداوند راز ونیاز می کنند مناجات بیشتر منثور است.  
 مناحات خواجه عبداله انصاری بسیار معروف است.**

**فصل هشتم : ادبیات تعلیمی  
اثرادبی تعلیمی اثری است که دانش (چه علمی و چه فطری ) از معرفت بشری را تشریح کند یا یک مساله اخلاقی،  مذهبی فلسفی را به شکل ادبی عرضه دارد.  
 بسیاری از شاهکارهای ادبی جنبه تعلیمی دارد مثل مثنوی و بوستان**

**تمثیل : روایتی است که در آن عوامل واعمال و گاهی زمینه اثر نه تنها به خاطر خود بلکه برای هدفی ثانوی به کار می روند .  
1-تمثیل تاریخی وسیاسی که درآن شخصیت ها،  حوادث واقعی وتاریخی را ممثل می کنند .  
2-تمثیل آرا  و عقاید که درآن شخصیتها ،  مفاهیم انتزاعی را ممثل می کنند .**

**فابل fable: یک داستان کوتاه به شیوه تمثیلی است که درآن یک تز اخلاقی بایک اصل رفتاری بیان می شود .  
معمولاٌ در پایان این اصل اخلاقی به شکلی بیان می شود.  
 نون و القلم آل احمد**

**پارابل parable :روایت کوتاهی است که درآن شباهت های ضمنی اما مفصل و جزء به جزء  با اجزای یک تز یا   
آموزه یی وجوددارد .  
پارابل در انجیل و قرآن وآثار صوفیان دیده می شود .**

**معما : شعری است که پس از تامل درآن به اسم کسی یا چیزی پی ببریم. شاعر با شگردهای مختلف خواننده را به اسم آن چیز یا کس راهنمایی می کند.  
 معماگویی از قرن هشتم تا یازدهم در ایران رواج فوق العاده یافت .**

**لغز یا چیستان : نوعی شعر است که درآن بدون این که اسم چیزی را ببرند از اوصاف آن سخن گویند تا خواننده به صرافت طبع مقصود رادر یابد.  
 لغز شمشیر از عنصری ، لغز شمع از منوچهری**

**مقاله : انشای تقریبا کوتاهی است به نثر که از موضوع خاصی بحث می کند ویا نقطه نظر معینی راشرح  می دهد و یا فکری را تبلیغ  می کند.  
 مقاله بر خلاف رساله سیستماتیک نیست و حتما نباید کامل و جامع باشد دو نوع مقاله داریم :رسمی و غیر رسمی**

**فصل نهم: اشکال یا قوالب اصلی  
1- قصیده: قصد در عربی به معنی توجه کردن و روی آوردن به کسی یا چیزی است.   
به شعری می گویند که در آن قصد خاصی  باشد و آن قصد در اصل مدح است.**

**سابقه قصیده:  
قصیده قالب رایج و مسلط شعر فارسی از آغاز (قرن 4 ) تا پایان قرن ششم  است.  
 اوج قصیده سرای در قرن پنجم و ششم است. در قرن ششم براثر تحولات سیاسی و اجتماعی یی که رخ می دهد بازار  مدح از رونق   
می افتد و تصوف رواج می یابد و به دلایل دیگری اندک اندک غزل جای قصیده را می گیرد.**

**البته قالب قصیده از بین نمی رود و فقط رایج و مسلط نیست سر انجام در قرن هفتم سعدی در طی قصیده ای  مرگ قصیده را رسماً اعلام می دارد و ساختمان سنتی آن را در هم می شکند.**

**وحدت موضوع در قصیده  
در قصاید قدیم فارسی وحدت موضوع دیده می شود و ابیات با هم ارتباط موضوعی دارند اما قصیده در حال احتضار ادوار بعد وحدت موضوع ندارند.**

**منشا قصیده   
قصیده اولین نوع شعری است که در ادبیات فارسی بعد از اسلام به تقلید از ادبیات عرب بوجود آمده است.  
 شاعران دوره نخستین قصیده را در همه ابعاد از شعر عربی تقلید کردند.  
 بیش از همه منوچهری تحت تأثیر قصاید عربی است.**

**ساختمان قصیده :  
قصیده معمولاً از حدود 15 بیت تا حدود 50 و 60 بیت است .  
قالب قصیده به شرح ذیل است:**

**قصیده از چند بخش تشکیل می شود:  
1- به آغاز قصیده تشبیب یا نسیب یا تغزل گویند.   
اگر قصیده ای این مقدمه را نداشته باشد به آن محدود یا مقتضب گویند.  
2- تخلص: یکی دو بیتی است که مقدمه را به متن قصیده متصل  
 می کند.  
 اگر این اتصال زیبا باشد به آن حسن تخلص می گویند.**

**3- تنه قصیده یا مدح : که شاعر در آن به مدح ممدوح می پردازد.  
4- پایان شعر یا شریط: و آن دعا در حق ممدوح است و این دعا معمولاً دعای تأبید است. یعنی عمر ابد خواستن برای ممدوح.**

**زوال قصیده  
زوال قصیده در قرن ششم آغاز شد اگر چه اوج قصیده قرن پنجم و ششم است.   
در قرن هفتم بعد از حمله مغول قصیده جای خود را به غزل داد.**

**2- غزل  
قافیه قالب غزل قصیده است . ابیات غزل معمولاٌ بین 5 بیت تا 10 بیت است.  
 تغزل قصیده همان است که در اواخر قرن پنجم مستقل شد و نوع ادبی غزل را به وجود آورد.   
ممدوح رفته بود و معشوق آمده بود.**

**موضوعات اصلی غزل بیان احساسات وذکر معشوق و شکایت از بخت روزگار است.  
 غزلیات قدیم شباهت تامی به تغزل دارد.  
 تفاوت آن دو : لحن تغزل شاد و لحن غزل غمگینامه است.  
 تعزل بیرون گرایانه است و غزل درون گرایانه است.**

**معشوق تعزل  
در تعزل با سه نوع معشوق مواجهیم:  
 1- معشوق مذکر که همان ترکان نوجوان لشگری در قرن نخستین تاریخ ایرانند.  
2- معشو ق زن که در حقیقت کنیز شاعر است. و لاجرم ارج و قربی ندارد.  
3- معشوقی که کهن الگوی آن ایزد بانو ها و خدایان مؤنث است.**

**3- مثنوی  
مثنوی منسوب به مثنی وبه معنی دوتایی است و قالب آن به شرح ذیل است  
ازآنجا که مثنوی به لحاظ  قافیه محدودیت ندارد شعر موضوعات و مضامین طولانی است و قالب مناسبی است برای داستان سرایی.**

**4- رباعی  
رباعی یعنی چهار تایی چون رباعی شعری است چهار مصرایی بروزن مفعول مفاعیل مفاعیل  فعل.  
رباعی های قدیم هر چهار مصراع آن قافیه یکسان دارد اما رباعیات جدید مصراع سوم قافیه ندارد و به آن خصی می گویند.  
 رباعی هم خاص ادب فارسی است.**

**5- دو بیتی  
دو بیتی مانند رباعی است فتها وزن آن مفاعیلن مفاعیلن فعولن است دوبیتی بیشتر به لهجه های محلی (فهلوی) است و دارای مضامین غنایی است.  
 دوبیتی های باباطاهر معروف است.**

**6- قطعه  
قطعه شعری است که معمولاً مطلع مصرع ندارد و دو بیت یا بیشتر است. قطعه را بیشتر در بیان مطالب اخلاقی و تعلیمی و مناظره و نامه نگاری و از این قبیل بکار می برند.   
قطعه های ابن یمین و پروین اعتصامی معروف است.**

**7- مفرد  
شعری است تک بیتی و قالبی است کم استعمال.   
مفرد بیشتر در نکته های اخلاقی به کار می رود. مفرد حکم کلمات قصار و ضرب المثل را دارد.**

**8- مسمط  
مجموعه چند مصراع هم قافیه (بند مسمط) و یک مصراع که قافیه آن مستقل است (رشته مسمط) و این شکل چند بار با قافیه های متفاوت تکرار می شود.  
مسمط   سه مصراعی (مثلث) یا چهار مصراع (مربع) یا پنج مصراعی (مخمس) و شش مصراعی (مسدس) است.   
مثلث:  
مسمط ابتکار منوچهری است.**

**9- ترجیع بند  
غزل هایی است که به وسیله یک بیت ثابت مصرع (بیت ترجیع) به هم مربوط شده باشد.**

**10- ترکیب بند  
مانند ترجیع بند است جز این که بیت ترکیب ، تکرار نمی شود. و متغیر است.   
از ترکیب بندهای معروف ، ترکیب بند محتشم کاشانی در واقعه کربلاست.**

**11- مستزاد  
در آخر مصاریع شعری (معمولاً رباعی ،غزل، قطعه) عبارات کوتاهی آورند که از نظر وزن یکسان و از نظر معنی متناسب و از نظر قافیه متناظر با آن قالب شعری است.**

**فصل دهم: قوالب فرعی  
1- تمام مطلع: تمام مطلع شعری است که جمیع مصاریع آن ( مصراع های فرد و زوج) دارای قافیه مشترک باشد. یعنی تمامی ابیات آن مصرع است.**

**2- مثنوی – غزل  
شعر از نظر قافیه مثنوی است، یعنی هر بیت قافیه جداگانه دارد اما کل ابیات را ردیفی مشترک به هم پیوسته و به شعر شکل غزل داده است.**

**3- ترجیح – غزل  
ابیات قافیه درونی دارد و در پایان هر بیت عبارتی نسبتاً طولانی تکرار می شود که نمی توان بدان ردیف گفت زیرا قبل از آن قافیه نیست.**

**4- رباعی سه بیتی  
رباعی دو بیتی است اما در آثار برخی از صوفیه خصوصاً عین القضات اشعاری به وزن رباعی دیده می شود که دارای سه بیت اند.  
 از مشخصات این گونه شعر «تمام مطلع» بودن آن هاست.**

**5- چهارپاره                                                                                                                                                                                                                         
از قوالب جدید است که مقارن رواج شعر نو بوجود آمد و آن دو بیتی هایی است که با افتراق قافیه اتحاد  معنی دارند.  
برخی از شاعران در مصراع های سمت راست هم قافیه را مراعات  
کرده اند.**

**قوالب شعر نو  
شعر نو از نظر قالب به سه نوع است:  
1- شکل نیمایی که بدان شعر آزاد هم می گویند .  
 شعری است با وزن عروضی منتها ارکان آن مانند شعر سنتی محدود به ارکان مشخص نیست.  
 یعنی تناسب هجا ها وجود دارد ولی تساوی نه  و قا فیه جای مشخصی ندارد :  
 اشعار  نیما، اخوان، فروغ، سپهری**

**2- شکل شاملویی که بدان شعر سپید گویند. وزن و آهنگ دارد منتها عروضی نیست و قافیه در آن جای ثابتی ندارد.**

**3- شعر موج نو: نه تنها وزن عروضی ندارد بلکه آهنگ و موسیقی آن حتی مانند شعر سپید هم مشخص نیست و در حقیقت منطق غیر نثری آن و تشبیهات و استعارات نوین آن یعنی زبان شعری بدان آهنگ معنوی می بخشد که در نثر نیست.**